

تأمل در جنگ و صلح



مقصود فراستخواه

جامعه‌شناس

دریغ است ایران؛ سرزمینی چندهزار ساله با خاطره تمدنی و حافظه فرهنگی که در برابر انواع گزند حوادث، اصرار به ماندن داشت. در ایران بارقه‌ای از حس ملی هست، با هر مخاطره، شوق همبستگی اجتماعی می‌گیرد، میل به وحدت در عین کثرت می‌کند و با روح سازگار نجیبانه‌اش، زمانه‌های عسرت از سر می‌گذراند. وجدان‌های بیدار گواهی بدهند در اینجا مردمی هست با سطوح بالای آرزومندی، که دست‌کم ۲۰۰ سال در تقلاي معاصر شدن و پیشرفت بوده‌اند و اکنون می‌خواهند قابلیت‌های سرمایه عظیم انسانی، اندوخته‌های فنی و علمی، توان اقتصادی و دفاعی خود را در این مرز و بوم کهن به‌صورت صلح‌آمیز، مصروف توسعه پایدار و رفاه اجتماعی خویش بسازند، در کنار دیگر ملت‌های آزاد جهان و منطقه با احترام متقابل زندگی‌یک‌کنند.

اکنون اما این ملت مزید بر انواع دیگر مصائب خویش، مورد تهاجم حکومتی نیز قرار گرفته که در محکمه‌بین المللی به‌نسل‌کشی و جنایت علیه‌بشریت محکوم و معروف است. دولتی یاغی و بی‌ترتیب و آداب، مالک جهنمی از زرادخانه‌های سرمایه‌داری مسلط جهانی، یکجانبه و خودسر، به حریم ملی ما تجاوز کرده است. کودکان، پدران و مادران بیگناه را در خواب شبانه‌ی خانه‌های‌شان به خاک و خون کشیده و چنین وحشیانه اینجا و آنجا به سرمایه‌های انسانی و مادی و زیرساخت‌ها و تأسیسات صلح‌آمیز ما هجوم آورده است.

ایران رسماً در حال مذاکره بین‌المللی بود و همچنان نیز هست. مسئولان دولتی‌اش بارها با الهام از عقلانیت جامعه، بر حیات صلح‌آمیز در منطقه و جهان تأکید کرده‌اند، پس چگونه است که چنین وحشیانه محل تجاوز قرار می‌گیرد. آزادگان جهان به این خفایت گواهی بدهند. ای روزگار تلخ! در سامعه اصم زمانه فریاد بز و بگو «صدای صلح» در ایران، رساترین صدایی است که سال‌ها از عمق دل‌های آگاهان، خیرخواهان، عالمان، روشنفکران و کنشگران این ملت، در این گوشه از عالم؛ مدام در طنین و تمنا بود. بگو که صدها هنگامه‌ی علمی، مدنی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و هزاران محتوا و معانی در صلح و برای صلح، در اینجا نشان‌نشان فاحر حیاتی معقول و گواه صدقی بر بلوغ فرهنگی، مدنی و فرهیختگی در ایران است. صداهای ناصح نیز بود و هست اما باید پرسید مگر کدام کشور آزاد می‌شناسید که در او عقاید و آرای گوناگون خوب و بد نبود و در کجای این جهان بیشتر از ایران، صلاي صلح سر داده شده است. صدای صلح، اصیل‌ترین طنین بر خاسته از این سرزمین پهناور بودو پیش از برجام، در برجام و پس از آن تاکنون در عمق عقول و وجدان‌های آگاه‌ملت‌ی فرهیخته ریشه‌داشت.

در تقویم تاریخ ثبت خواهد شد، یک جنگ وحشیانه را این‌بار در ایران، رژیم‌ی آغاز کرد که در هیچ کجا به هیچ کودکی رحم نکرد، هیچ زن و مرد و پیر و جوانی نفهمید، هیچ زمین و تاریخی به‌رسمیت نشناخت، هیچ قاعده و قانون و تعهد و فضیلتی محترم نداشت، به‌پهانه هفتم اکتبر ۲۰۲۳، هزاران تر به گناه چند خشک بسوخت و بی‌رحمانه بکشت و تار و مار کرد و گرسنه و آواره ساخت. از آیین و فرهنگ محترم ملت یهود، ایدئولوژی خسونت‌باری دست و پا کرد؛ در توحش، گوی سبقت از نازی‌ها و از تمام بنیادگرایان هم‌تبار خویش در اینجا و آنجا بر بود و به‌رغم مخالفت یهودیان آزادیخواه حتی در خود اسرائیل، منطقه را به خون و آتش کشید و این همه، هنوز پایان او نیست.

اکنون کنشگران خردورز و صلح‌جوی ملت و دولت ایران، با رنگین‌کمان تنوعات فرهنگی، مذهبی، قومی، زبانی و سیاسی، و فشار غ از همه اختلافات جدی درونی‌شان، ضمن تأکید و ایستادگی بر حق دفاع مشترک از حاکمیت ملی و سرزمین‌شان، نیک می‌دانند این حملات از سوی تندروهای اسرائیل و آمریکا (که چیزی کم از افراطیان وطنی و کاسبان تحریمی ما ندارند) با هدف برهم‌زدن کوشش‌های دیپلماتی عقلانی و ابتکارات مذاکره‌ای کنشگران خردورز ایرانی در جهت حفظ حقوق صلح‌آمیز ملی، همزیستی و همکاری محترمانه با همه کشورهای منطقه و جهان به راه افتاده است.

ما ضمن دفاع از عزت و از آب و خاک خویش، همچنان منادی صلح و مذاکره ایم. صلح، مهمترین حقیقت است. صلح مهمتر از همه حقایقی است که به‌نام آنها مردمان با هم جنگیده‌اند و عالمی ویران شده است. در این سیاره زخمی، اگر هنوز ما هستیم به‌یمن صلح و التیام هستیم و برای آشتی و زندگی، خدا را طنین و تمنای صلح در جهان ما، چنین مغلوب نفیر شوم «صنعت جنگ» مباد.

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرپاسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



علیه روایت‌های جعلی

گزارشی دست اول از جنگ روایت حمله اسرائیل به ایران در اسپانیا

سیدجواد رسولی و نیوشا طبیعی‌گیلانی

فعالان فرهنگی در اسپانیا

از اولین ساعاتی که روز شروع شد، کمی که از شروع تجاوز رژیم صهیونیستی به میهن‌مان می‌گذشت، پیام‌های دوست و آشنای غیرایرانی برای هم‌دردی و قوت قلب بی‌وقفه می‌رسید. «این سختی‌ها می‌گذرد رفیق، شما ملت بزرگی هستید»، «من با تو، خانواده و هم‌وطنان، احساس هم‌دلی و همراهی دارم، برپا بمانید»، «از اتفاقی که برای کشور شما افتاده خیلی متأسفم، عمیقاً با شما احساس هم‌دلی و همراهی دارم». همسایه بلژیکی - انگلیسی ما دوان دوان خودش را به خانه ما رساند تا حضوری به ما بگوید که چقدر از تجاوز به کشور ما نگران است و برای ما و خانواده‌هایمان دعا می‌کند.

آدم‌های معمولی و روایت‌های غیرواقعی

در محله و سوپرمارکت نزدیک خانه و اینجا و آنجا هرکس که می‌داند یا می‌فهمد که ما ایرانی هستیم، چیزی دل‌گرم‌کننده به ما می‌گوید. بعضی از هم‌دردی‌ها، به کودک‌کشی و نسل‌کشی رژیم صهیونیستی اشاره دارد. تفکر غالب در اسپانیا - کشوری که ما در آن زندگی می‌کنیم - کم‌وبیش ضداسرائیلی است. پس از هفتم اکتبر، در اینجا تجمعات بزرگی علیه تهاجم به غزه شکل گرفتند و هنوز هم اینجا و آنجا ادامه دارند. دولت اسپانیا در بین دولت‌های غربی، تندترین مواضع را علیه اسرائیل داشته، اگرچه در واکنش به تجاوز اخیر، موضع روشنی نگرفته است.

شهروندان عادی جوامع غربی به‌شدت تحت‌تأثیر رسانه‌هایی هستند که روایت را براساس داستانی که اسرائیلی‌ها می‌سازند گزارش می‌کنند. خلاص شدن از این روایت و پیدا کردن حقیقت ماجرا کار آدم‌های عادی و معمولی که صبح از خواب برمی‌خیزند و صبحانه‌ای می‌خورند و به سرکارهایشان می‌روند، نیست. بزرگترین بخش جامعه اسپانیا را همین افراد کارگر و کارمند تشکیل می‌دهند، اما با همه این احوال، همین مردم ساده و زحمتکش که پیکر اخبار سیاسی جهان هم نیستند، متوجه عدم صداقت این روایت‌ها می‌شوند.

عملکرد مشترک، هماهنگی و فراگیری دستگاه تبلیغاتی حامی تجاوز و استفاده از کليدواژه‌هایی چون «هولوکاست»، «یهودستیزی» و «تهدید برای امنیت شهروندان اروپایی»، در نبود صدای هماهنگ و برنامه‌ریزی‌شده و فراتر از ایدئولوژی ما، عرصه را برای جولان‌دهی و ژست‌حق‌به‌جانب‌طرف اسرائیلی باز کرده است. با این حال به نظر می‌رسد که بدنه جامعه اسپانیایی دیگر برای این واژه‌ها و اداه‌ا ارزشی قائل نیست و این بازی صهیونیستی، مظلوم‌نمایی و نان هولوکاست خوردن، از اعتبار افتاده است.

علیه اسرائیل بی‌همدلی با ایران

بیش از یک‌سال از اعلام به‌رسمیت شناختن کشور فلسطین از سوی اسپانیامی‌گذرد. از آن‌زمان به‌بعد اسپانیا مواضع سفت‌وسخت‌تری در فضای بین‌المللی علیه رژیم صهیونیستی گرفته است. اسرائیل در مادرید سفیر ندارد، روابط دو کشور بسیار سرد است، نخست‌وزیر اسپانیا در کنگره رسماً از ترکیب «کشور نسل‌کش» استفاده کرده است، کنگره اسپانیا در مورد کلیات قانونی برای تحریم تسلیحاتی اسرائیل و لغو قراردادهای تولید یا خرید و فروش اقلام نظامی به اکثریت رسیده است و دولت این کشور می‌کوشد با حضور در رخدادهای بین‌المللی برای ایجاد اجماع جهانی در توقف جنگ غزه و پیگیری راه‌حل دوکشور پیشتان باشد. این موضع ضدصهیونیستی و طرفدار فلسطین در رسانه‌های جریان چپ در سیاست اسپانیا (که فعلاً دولت را در اختیار دارند) نیز دیده می‌شود. روزی نیست که در فضای مجازی و برخی از روزنامه‌های چپ‌گرا، مطالبه جدی برای قطع هرگونه ارتباط با اسرائیل تا زمانی که جنگ را متوقف کند و مسیر رساندن کمک‌ها به مردم غزه را فراهم نماید، منتشر نشود.

اما این موضع شدید لزوماً در چندروز گذشته و از آغاز تهاجم تجاوزکارانه اسرائیل به خاک کشورمان، در رسانه‌ها و نیز مواضع سیاستمداران اسپانیایی دیده نمی‌شود. به‌جز روزنامه ال پائیس (معتبرترین و مهم‌ترین

روزنامه اسپانیایی‌زبان) که در سرمقاله روز شنبه خود به‌صورت مشخص از تجاوز نام برد و حمله را نوعی تلاش نتانیاهو برای بقای دولت‌اش دانست، در بقیه فضای رسانه‌ای صدای بلندی در حمایت از ایران در وضعیت جنگی شنیده نمی‌شود. باید دانست که همه فضای رسانه‌ای و سیاسی اسپانیا ضداسرائیل نیست. روزنامه‌های مهم و موثری مثل ال‌موندو و آ ب ث اساساً از بعد از هفت اکتبر جنگ را از زاویه دید اسرائیل گزارش می‌کنند. چه برسد به مسئله ایران و همه پس‌زمینه تاریکی که رسانه‌های جریان اصلی غربی سال‌هاست برای موضوع هسته‌ای ایجاد کرده‌اند. سیاست اسپانیا و نیز فضای رسانه‌ای آن در موضوع ایران عملکردی بلاتکلیف دارند. از یک‌طرف فضای عمومی رسانه تا حدی علیه اسرائیل است و از طرف دیگر رویکرد اروپامحور اسپانیا مانع از آن می‌شود که در موضوع ایران سیاست شفافی از خود نشان دهد. این رویه حتی در بیانیه دولت اسپانیا پس از آغاز تجاوز اسرائیل نیز خود را نشان می‌دهد که در آن «تشدید تنش‌ها در خاورمیانه» را محکوم کرده است. از طرف دیگر جریان چپ رسانه‌ای و سیاسی که شدیداً علیه نسل‌کشی اسرائیل در غزه فعال است، در موضوع ایران سکوت کرده است. این سکوت تا حد بسیار زیادی محصول رخدادهای تابستان ۱۴۰۱ و بحث مربوط به حقوق زنان در ایران است. جریان چپ اسپانیا تا پیش از آن، همدلی و همراهی زیادی با سیاست‌های ضداشغال‌گرانه ایران علیه اسرائیل داشت. اما پس از آن همه‌چیز متحول شد. نگاه عمومی این جریان به ایران تغییر کرد و به جایی رسید که اگرچه موضعی از جنس فرانسه و آلمان نگرفته است اما توجه زیادی هم به این موضوع نشان نمی‌دهد. پوشش رسانه‌ای جنگ از جنس گزارش نقل قول مقامات دوطرف (و بیشتر اسرائیلی و آمریکایی) است و در اشاره به طرف ایرانی هم از عباراتی اهانت‌بار استفاده می‌شود. فضای رسمی و رسانه‌ای اسپانیا اگرچه همچنان علیه اسرائیل است، اما همدلی و حمایت چندانی از ایران نشان نمی‌دهد.

امکان غلبه بر روایت نادرست

در اوضاع و احوال کنونی جامعه اسپانیا، شرایط برای غلبه روایت صحیح از داستان تجاوز اسرائیل به خاک ایران و گذشتن از تمام فبود و قواعد بین‌المللی تا حدی مهیاست. ما طبق معمول تمام این سال‌ها بسیار تنها هستیم، به‌رغم اینکه حق با ماست و میهن‌مان مورد تجاوز قرار گرفته اما صدای ما شنیده نمی‌شود. با همه اینها شرایط تا حد زیادی عوض شده است، بدکاری رژیم اسرائیل در غزه بسیاری از مردم عادی و شهروندان معمولی اروپا را به فکر واداشته. اندک رسانه‌های مستقلی که در فضای مجازی به گزارش وضیت انسانی غزه پرداخته‌اند، توانسته‌اند تا حد زیادی در فضای حاکم رسانه‌ای معمول طرفدار اسرائیل شکاف ایجاد کنند و بذر شک و تردید در ذهن مخاطبان غربی بکارند. باید از این فضای به‌وجود آمده نهایت استفاده را برد و با تدوین استراتژی هماهنگ بین میهن‌دوستان ایرانی خارج از کشور - فارغ از نگاه ایدئولوژیک - براساس دکنترین منافع ملی و تأکید بر مواضع بسیار انسان‌دوستانه سیاست خارجی ایران، تأثیرگذاری عمیقی را پی‌ریزی کرد. تثبیت چنین تغییر نگاهی می‌تواند در ارتباط آینده ایران و جوامع غربی بسیار موثر باشد.

باید بر این نکته پای فشرده که سیاست خارجی کشور ما به‌رغم تمام مضایق همواره پای ملت‌های مظلوم و مستضعف عالم ایستاده و صدای آنها بوده، این صدای اخلاق‌مدارانه حتی با ادعاهای شوروی سابق در حمایت از ملل ضعیف فاصله زیادی دارد و به‌صورت دکنترین رسمی سیاست خارجی ما به عمل درآمده. درصورتی که شعارهای حمایت‌گرایانه بلوک شرق سابق، عملاً به محملی برای امپریالیسم کمونیستی تبدیل شده بود. دنیا باید بداند که ایران هرگز چشم طمع به سرزمین هیچ کشوری نداشته، همواره از مظلوم و فقیر دفاع کرده و تاوان سنگینی برای عملکرد انسانی خود داده است. ما باید بی‌هیچ شرمندگی‌ای بدون هیچ ژست روشنفکرانه‌ای، یکپارچه و یک‌دست پشت هم بایستیم و از موضعی ملی و متحد در جنگ روایت‌هایی که در جریان است، شرکت کنیم.

چهره

شهادت نقاش

نامش منصوره عالیخانی بود. شاید تا دیروز تنها شاگردانش و گروه‌های هنری او را به خوبی می‌شناختند. اما حالا باید نامش را همه به خاطر بسپارند. او نقاشی بود که از دانشگاه الزهرا و سوره مدرک کارشناسی ارشد خود را گرفته بود و شاگردی کاظم چلیپا، استاد نقاشی را هم در کارنامه داشت. او یکی از مردمان غیرنظامی بود که در حملات جنایتکارانه اسرائیل در شب ۲۴ خردادماه، در منزل مسکونی‌اش به شهادت رسید. عالیخانی ۵۸ سالش بود و سال‌ها به تدریس نقاشی در هنرستان سوره و مراکز هنری پرداخته بود. برگزاری کارگاه‌های آموزشی هنری، مدیریت مرکز مهارت‌های هنری دانشگاه سوره، حضور در نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی، تصویرسازی کتاب و داوری جشنواره‌های هنری از جمله داوری جشنواره هزارویک بسم‌الله و حماسه هنر، از دیگر فعالیت‌های منصوره عالیخانی هستند. به‌گفته نزدیکان عالیخانی، او در حال خلق اثری عاشورایی بود که با اصابت موشک، اثرش نیمه‌تمام‌ماند.



کتابخانه

شعر در مقام مواجهه با تروما

کتاب «زخم‌هایش»، مجموعه شعری از سوسن حاجی‌زاده شاهشوار است که نشر نی، اخیراً به بازار عرضه کرده است. این کتاب شامل اشعاری است که به موضوع مواجهه با تروما می‌پردازد و به‌نوعی حدیث نفس و تصعید زخم‌ها از طریق شعر را مطرح می‌کند. در این کتاب، شعر به‌عنوان فضایی برای مصاحبت و نمایش کشاکش نیروهای متضاد درونی انسان، همچنین بستری برای تصعید زخم‌ها و جراحات روحی معرفی شده است. در اشعار سوسن حاجی‌زاده فضایی مأنوس مواجهیم که از سوبی، حال‌وهوای اشعار فروغ را دارد و از سوبی دیگر، سادگی و روانی آثار ایرج میرزا را به یاد می‌آورد. فروغ بر حاجی‌زاده تأثیری ژرف و شگرف دارد. شاعر، وراي استقبال از اشعار فروغ، در محاذه‌ای مدام با او در مقام غیر است. زبان اشعار حاجی‌زاده، زبانی است متعلق به غیر و با زبان اغیار، که اساسی جز نمود و خودنمایی ندارد، متفاوت است. مجموعه شعر «زخم‌هایش» در ۱۹۶ صفحه، در قطع رقعی و با جلد نرم، با قیمت ۲۵۰ هزار تومان منتشر شده است. کرامت موللی نیز مقدمه‌ای در باب شعر و تروما به‌لحاظ روانکاوی بر این کتاب نوشته است.



نام کتاب: زخم‌هایش
(مجموعه شعر)

نویسنده: سوسن
حاجی‌زاده شاهشوار

انتشارات: نشر نی

تاریخ

منوعیت دخانیات در بوتان



قانون ممنوعیت دخانیات در بوتان در ششم ژوئن ۲۰۱۰، توسط پارلمان بوتان تصویب شد و در ۱۶ ژوئن به اجرا درآمد. مدت‌ها قبل از تصویب قانون کنترل تنباکو، دولت بوتان با استعمال دخانیات مبارزه کرده

بود. در سال ۱۹۱۶، اولین پادشاه بوتان، ممنوعیتی را برای «کثیف‌ترین و مضرت‌ترین گیاه دارویی، به‌نام تنباکو» اعلام کرد. بوتان اولین کشوری بود که دخانیات را ممنوع کرد. براساس قانون کنترل تنباکو بوتان در ۲۰۱۰، سیگار کشیدن در ملا عام یا فروش تنباکو، غیرقانونی است و متخلفان معادل ۲۲۲ دلار جریمه می‌شوند. مصرف تنباکو در بوتان به‌طورکلی ممنوع نیست، اما در مکان‌های اقامتی عمومی تا حد زیادی ممنوع است. این قانون عمدتاً سیگار کشیدن را هدف قرار می‌دهد، اگرچه هر شکلی از تنباکو مشمول این قانون است. مراکز تجاری از جمله بازارها، لابی هتل‌ها، رستوران‌ها و بارها شامل این قانون هستند. مراکز تفریحی مانند دیسکوها، سینماها و زمین‌های بازی، موسسات و ادارات اعم از دولتی و خصوصی، اجتماعات عمومی و فضاهای عمومی مانند جشنواره‌ها، ایستگاه‌های تاکسی و فرودگاه، تمام وسایل حمل‌ونقل عمومی و هر مکان دیگری که توسط هیئت کنترل دخانیات اعلام‌شده است نیز مشمول این قانون هستند.